سال اول شماره ۴۵ صبح ۳شنبه سوم مرداد ۱۳۲۲ تکشماره یکریال

آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

بهای اشتراک
سالیانه ۳۵۰ ریال
ششماهه ۱۴۰ «
برای کارگران و کشاورزان و محصلین و کارمندان جزء دوائر دولتی [illegible]
تخفیف منظور میگردد
بهای آگهی با دفتر اداره است
جای اداره:
خیابان [illegible] کوچه حمام [illegible]

آژیر بغیر از روز شنبه هر روز صبح منتشر میشود

هنوز سر خرمن است

هنوز سر خرمن است. هنوز مردمان گرسنه میتوانند باخوشه چینی و تهیه بعضی از خوردنیهای ارزان و [illegible] شکم خود را سیر نموده [illegible] باشند.

هنوز دهقانان [illegible] سال گذشته [illegible] ملخ [illegible] و [illegible] شهر ریخته [illegible] در ده آذوقه [illegible] میتوانند پیدا نمایند. با وجود این قیمتها هر آن [illegible] بالا میرود و صدای مردمان [illegible] شهرستانها [illegible] مورد تهدید واقع [illegible] میگردد.

[illegible] روز [illegible] ۱۷ [illegible] شهرستان [illegible] امروز [illegible] در روزنامه [illegible] که [illegible] خود را [illegible] کشور ایران [illegible] این خبرهای وحشت آور [illegible] [illegible] را [illegible] شخصی [illegible].

[illegible] دولتها [illegible] طرف دیگر [illegible] صحیح [illegible] [illegible] آذوقه و [illegible].

[illegible] است.

[illegible] وسیله خود کم و بیش برای [illegible] بواسطه همین [illegible] های کوچولو بوده [illegible] از گرسنگی نجات پیدا کرد.

[illegible] چیزی پیدا [illegible] میتوانستند تهیه [illegible] امسال علاوه بر اینکه چیزی برای مردم [illegible] طوری [illegible] آمده [illegible] میکند.

[illegible] روغن [illegible] ریال [illegible] آرد [illegible] ۲۰۰ [illegible] ۳۰۰ ریال [illegible] ۵۰۰۰ ریال شده است [illegible] جمهور ممکن است [illegible].

آری حال جامعه خیلی خراب و آینده اش بسیار خطرناک است.

[illegible] مردم [illegible] که [illegible] چند روز [illegible] ایران [illegible] گرم [illegible] را با لگد [illegible] گرسنگی [illegible] کرسی و کالت و مقام وزارت و ریاست را [illegible].

ای دیوانه ها ای بیحس و بیشعور ها ای خائنین و دروغگویان کجا میروید چه میخواهید بکنید، وکالت و وزارت یعنی چه، ریاست چند روزه بمقام محکوم بیا افتخار و سربلندی که ندارد

[illegible] آرد خرواری ۱۰۰ [illegible] سر خرمن [illegible] از کثرت [illegible] شورش و بلوای عمومی [illegible] خواهید کرد [illegible] ۱۷ آذر [illegible] مردم را [illegible] آب [illegible] گرفت.

کجا میروید ای محتکرین، ای تجار، ای قیافه های حق بجانب ای حاجی آقای ریشدار بیایمان که برای چند شاهی عالیات

[illegible] کجا است [illegible].

[illegible] شما [illegible] و [illegible] دست های خیانت [illegible] که اگر [illegible] خواهد گرفت که [illegible] خشک و تر همه را سوزانده، محو و نابود خواهد کرد [illegible] مردم [illegible] بالا [illegible] مردم [illegible] [illegible] نمیزنید.

حیا کنید!! خجالت بکشید!!

کاری نکنید که فردا مردم [illegible] ریشه تان را از بیخ و بن بر اندازند.

از تاریخچه حزب عدالت

نگارش ع.ح.

چرا میهن خود را ترک میکردند

همشهری از برده پست تر بوده

همشهری [illegible] میکردند اورا پست و حقیر میشمردند حتی خود همشهری [illegible] برای خود شخصیتی قائل نبود.

او را اخیر میکردند و در مشروطه ها [illegible] دوره [illegible] و فرح احتیاطی راه نمیدادند.

همشهری از برده و غلامان دوره [illegible] پست تر و حقیر تر بود و مانند حیوانات کارگر برای کار کردن [illegible] لگد خوردن خلق شده بود.

خود او [illegible] تحمل میکرد و [illegible] خود علاوه بر اینکه [illegible] از این بیحقوق تر بود کار هم [illegible] هم [illegible] نداشت.

اگر چه نماینده دولت ایران [illegible] در کارخانه ها [illegible] حاضر [illegible] ها [illegible] [illegible].

[illegible] همشهری کارگر [illegible] ایران [illegible] چاههای [illegible] از همه [illegible] تر بود.

[illegible] این کارگران [illegible] اطراف همدان و اراک و ساوه و [illegible].

چاههای [illegible] کارگر [illegible] زمین کار میکرد.

[illegible] از همه این چاهها [illegible] کارگر نمیتوانست از آنجا سالم بیرون بیاید.

هر روز چندین نفر ایرانی بیچاره [illegible] چاهها [illegible] [illegible] صاحب کار و مامورین محل [illegible] حتی [illegible] چاه [illegible] همشهری [illegible] آرزوی [illegible] بیرون میگردید.

[illegible] کم و [illegible] روز [illegible].

بقیه از شماره پیش

علت توسعه امراض مقاربتی

و دیگر آنکه چون [illegible] ثروتمندان زناشوئی بطور تجارت صورت می گیرد [illegible] همیشه [illegible] اگر زن است مرد خود را و اگر مرد است زن خود را [illegible] و زیبا انتخاب میکند و این [illegible] محبت طرفین و احترام گذاری یکی بدیگری صورت [illegible] و سکینی شرایط زناشوئی و هزاران علل دیگر باعث می شود که اگر زن و شوهر از هم [illegible] فرار [illegible] باشد و [illegible] فرصت [illegible] گردد به [illegible].

[illegible] زن و مرد [illegible] زندگانی میکنند [illegible] مرد [illegible].

بالاخره زناشوئی [illegible] صورت [illegible] امراض مقاربتی میشاید.

بیکاری، تنگی معیشت، کمی مزد [illegible] مردان [illegible].

[illegible] که [illegible] خود را به [illegible] و [illegible] باعث میشود که تمام کوچه خیابانها پر از فاحشه بشود و بازار هوس [illegible] رواج بگیرد و امراض مقاربتی توسعه [illegible] صحیح در [illegible] این امراض دو سوم آن از [illegible] سرایت می نماید.

اما در [illegible] دهقانان [illegible] شهرها [illegible] ثروتمندان دچار میشوند [illegible] فاحشه خانها را پر می کنند [illegible] مقاربت [illegible] سرایت [illegible] امراض مزبور را برای [illegible] از خانه [illegible] دیگر سرایت کرده توسعه میابد.

[illegible] آنها امراض مقاربتی [illegible].

[illegible] آنها توسعه [illegible] و کم کم همه جا را فرا میگیرد [illegible].

آری [illegible] توسعه امراض مقاربتی در این آب و خاک و [illegible] این ملک میباشد بوده است.

دکتر بهبود

فاش خواهیم کرد

اداره تبلیغات را دیگر لازم بود [illegible] آخر ما [illegible] هستیم که کشور [illegible] مردم را باصول آزادی و دموکراسی [illegible] افکار [illegible] بر خلاف دموکراسی است چرا باید روی اداره تبلیغات قرار بگیرد. این مرد [illegible] افکار [illegible] استبداد بوده چگونه میتواند افکار دموکراسی را [illegible] پشت این پرده دست [illegible] ارتجاع دیده میشود.

[illegible] برای [illegible] و [illegible] دیکتاتور [illegible] دارند با تجدید [illegible] آنرا مردم [illegible] هدف گلوله قرار بدهند.

ما میدانیم [illegible] آلوده و چه دستهای خون آلودی دارند این [illegible] اداره میکنند.

ما از فردا با انتشار نوشته های [illegible] این مرد استبداد پرست پرده را از روی کار برداشته [illegible] را فاش خواهیم کرد.

در ایران چه خبر است

جلسه سری مجلس شورای ملی

[illegible] صبح امروز [illegible] تقاضای دولت جلسه سری در مجلس تشکیل شد [illegible] مذاکرات [illegible] در خصوص امنیت کشور و اوضاع [illegible] وضع [illegible] داشته است.

استعفای وزیر فرهنگ

آقای دکتر [illegible] وزیر فرهنگ از ریاست دانشگاه استعفا داده اند.

تعقیب رئیس سابق اداره نان

آقای دکتر [illegible] رئیس [illegible] اداره نان از طرف دیوان کیفر مورد تعقیب قرار گرفته است.

همچنین [illegible] از طرف [illegible] های دیوان کیفر [illegible] دولت در وزارت خواربار [illegible] کارکنان اداره نان مورد سوء ظن واقع شده و آنها را برای [illegible] تحت تعقیب قرار داده اند.

آقای پیرنیا داوطلب نیست

آقای پیرنیا رسماً اطلاع داده اند که داوطلب وکالت دوره چهاردهم نیستند.

اداره تثبیت قیمتها

[illegible] که اداره تثبیت قیمتها [illegible] آقای [illegible] تشکیل و شروع [illegible] اداره [illegible] آقای [illegible] بریاست اداره کل کارگزینی آقای [illegible] بریاست اداره کل توزیع و پخش کالاها آقای [illegible] بریاست اداره حسابداری آقای [illegible] بریاست [illegible] نقلیه [illegible] و نیز [illegible] اطلاع حاصله اداره کل تثبیت قیمتها برای جمع آوری کلیه کالاهای احتکاری شروع بتهیه مقدمات کار نموده و [illegible] اجناسی که در گمرکات موجود میباشد حمل [illegible] خواهد شد [illegible] برای شرکت [illegible] احداث شده و طبق قانون مقرر بوده [illegible] وزارت پیشه و هنر واگذار شود قرار است [illegible] اداره کل [illegible] قیمت ها واگذار شود.

افزایش سهمیه قند و شکر

چون سهمیه قند و شکر در ماه های [illegible] را تامین [illegible] اداره کل خواربار کشور برای [illegible] سهمیه قند و شکر [illegible] کوپن شماره ۵ مهرماه ۱۳۲۱ [illegible] قند و چهار صد گرم شکر سهمیه مرداد ماه را از [illegible] فروشان خواربار [illegible] کوپن شماره ۶ مهر [illegible].

خوکاه جیره بندی میشود

اداره کل خواربار کشور برای ایجاد آسایش صاحبان درشکه ها و [illegible] مردم از [illegible] درشکه [illegible] جیره بندی [illegible].

[illegible] درشکه [illegible] کاه قیمت [illegible] فروخته خواهد شد و اکنون مشغول تهیه مقدمات امر میباشد تا پس از برداشتن آمار درشکه های تهران [illegible] صاحبان درشکه ها و تعیین مقدار مورد احتیاج جیره بندی جو و کاه عملی شود.

فرمان مارشال استالین

مسکو - طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس [illegible] رادیوی مسکو اطلاع داشت که مارشال استالین حکمی خطاب [illegible] و [illegible] سوسکی و ژنرال [illegible] صادر کرده و طی آن چنین اظهار داشته است دیروز که روز [illegible] سوم [illegible] نیروی ما [illegible] مقرون بموفقیت [illegible] آلمانها را در [illegible] ناحیه جنوب اورل و شمال بیلگورود در جهت کورسک [illegible] بنیروی دشمن وارد آوردند [illegible] آلمانها [illegible] اورل و کورسک و بیلگورود [illegible].

فرماندهی آلمان هفت لشکر زره پوش و دو لشکر موتوریزه و یازده لشکر پیاده در میدان جنگ اورل و کورسک وارد و در جهت بیلگورود و کورسک [illegible] لشکر زره پوش و یک لشکر موتوریزه و هفت لشکر پیاده [illegible] لشکر [illegible] لشکر موتوریزه دشمن در این حمله شرکت [illegible] فرماندهی نیروی آلمان با گرد آوردن این نیروها در [illegible] قصد داشت از شمال بجنوب کورسک حمله برده [illegible] شوروی را [illegible] کورسک [illegible] محاصره کند ولی نتوانست در این حمله نیروی ما را غافل گیر سازد [illegible] تنها آماده آن بود که حملات دشمن را دفع کند بلکه حاضر بود ضربت های شدیدی بنیروی مهاجم وارد آورد.

نیروی دشمن با دادن تلفات سنگین از لحاظ افراد و آلات جنگی در مواضع ما بمسافت [illegible] کیلومتر بسمت اورل و کورسک

نامه وارده

آقای مدیر محترم

خواهشمند است در صورت امکان مقرر فرمائید این چند سطر را در آن نامه درج نمایند.

اخیرا در بعضی از جرائد مرکز دیده شد که دولت خیال دارد در مقابل دریافت کوپن نان بین مردم آرد توزیع نماید گرچه ممکن است اولیاء مسئول برای این امر شرایط و خصوصیاتی را در نظر گرفته باشند ولی مع الوصف لازم دیدم نکاتی چند که فوق العاده لازم و ضروری است قبل از انتشار چنین تصمیمی اعلام دارد

۱ - اولا کوپن نان در دست مردم بیش از اندازه احتیاج موجود است چنانچه در مکانهای عمومی اشخاصی هستند که کوپن مختلف نان را با صدای بلند میفروشند.

۲ - ثانیا بهیچ استحقوقی فروش آرد عدم استفاده جو بطور مستقیم و خصوصی و بارانی [illegible] و سایر وسائل

دیگر نانوایهای فراوانی که دارند بتهیه آرد مشغول خواهند شد و مستخدمین و کارمندان ادارات که درآمد و حقوق آنها ناچیز است ممکن است از دریافت آن محروم بمانند با عطف توجه بمراتب فوق لازم است در موقع اتخاذ این تصمیم مراتب زیر رعایت شود

۵ - [illegible] کارمندان ادارات با تعیین اداره مربوطه آرد داده شود و حتما باید [illegible] از اینکه کارمند دولت بوده و مقیم تهران هستند ارائه دهند تا بدریافت آرد موفق شوند ممکن است و برای مساعدت با کارمندان دولت قرار شود وجه آرد بتدریج از کارمندان وصول گردد

۲ - برای سایرین هم مهر و علامت مخصوص تهیه شود که حاکی از مقیم بودن درخواست کننده آرد در تهران باشد و حتما باید این قسمت بوسائل مخصوص از طرف معتمدین محل گواهی شود و مردم را از تماس با کلانتری و معطلی بیهوده برکنار دارد تا کمتر پیدا نشوند از راه تقلب چندین مرتبه موفق بدریافت آرد شوند.

محمد رشاد ابراهیمی

در دنیا چه خبر است

پیشرفت نموده و [illegible] از جهت [illegible] ورود [illegible] آلمانی و پنج کیلومتر [illegible] های [illegible] که نیروی [illegible] دشمن بود [illegible] از افراد لشکر های [illegible] آلمانی را [illegible] حملات متقابل [illegible] که [illegible] واضح بصورت [illegible] نیروی آلمانی را عقب رانده و همان موضعی را که پیش از روز پنجم ژوئیه از دست داده بودند دوباره بدست آورد بلکه در استحکامات دشمن [illegible] پیش رفته [illegible] و پنج کیلومتر در جبهه اول پیشرفت نمود .

از [illegible] برای دفع کامل حملات آلمانیها صورت گرفت [illegible] آشکار گردید [illegible] و [illegible] کارگران خرابه اندازه‌ها و [illegible] و هوا پیمانها [illegible] از [illegible] و شهادت ایران میدارد .

[illegible] گفت [illegible] حمله تابستانی آلمان [illegible] مواجه [illegible] موقعیت گردیده است .

[illegible] که [illegible] آلمانیها [illegible] در [illegible] نیروی شوروی در همان [illegible] آمده [illegible] از [illegible] در گرفت [illegible] هواپیما [illegible] شکست [illegible] و دشمن دو هزار و [illegible] تانک [illegible] و چهل و [illegible] توپ [illegible] و ۱۳۸۹ هواپیما [illegible] از [illegible] که [illegible] گردیده از دست داده .

که دیروز [illegible] چند بار حمله متقابل نموده ولی تمام حملات [illegible] واحدهای مرکب از ۱۵۰ تانک و ۱ هنگ پیاده نظام و [illegible] آنها [illegible] اروپای [illegible] وارد میدان نبرد نموده آلمانیها بر اثر [illegible] سنگین [illegible] در [illegible] که نیروهای شوروی مشغول [illegible] پایدار باشند و استقامت ورزند .

یک یگان آلمانی مرکب از یک هنگ و [illegible] واحد های کمکی چهار روز نبرد نموده در پایان این نبرد [illegible] از افراد آنها باقی مانده و [illegible] فرار کردند . نبرد های [illegible] در کرانه های یک رود خانه که در [illegible] خاور [illegible] و موازات راه آهن [illegible] می باشد جریان دارد .

اظهارات هلیفکس

واشنگتن — بقرار اظهار خبرگذاری انگلیس لرد هلیفکس سفیر کبیر انگلیس در آمریکا روز شنبه اظهار داشت که ارسال کالا بکشور های خارجه بر اساس قانون وام و اجاره دیگر صورت یک [illegible] ندارد ، بلکه دولت انگلیس و امپراطوری بریتانیا اکنون بهمان اندازه که کالا دریافت میدارند بکشور ها کالا میفرستند .

در جبهه کوبان

استکهلم — خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible] خبرنگار اداره اطلاعات [illegible] آلمان ها است خبر [illegible] نیروی شوروی در جبهه کوبان با [illegible] حمله خود را آغاز کرده است .

نبرد سیسیل

[illegible] ارتش [illegible] در افریقای شمالی خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بقرار اعلامیه [illegible] در افریقای شمالی در جنوب [illegible] آلمانیها در [illegible] لشکر ارتش هشتم مقاومت میکنند . نیروهای امریکائی [illegible] را تصرف کرده و در جنوب جزیره هم [illegible] درهم شکستن مقاومت دشمن میباشند . ارتش هشتم [illegible] بسیاری اسیر و مقدار هنگفتی مهمات جنگی از دشمن گرفته است . آن قسمت [illegible] که هنوز در دست نیروهای محور است [illegible] از [illegible] خود [illegible] بر [illegible] حمله بردند .

در نتیجه حملات نیروی هوائی متفقین کشتیهای دشمن یک کشتی [illegible] غرق گردیده و بر چندین کشتی دیگر آسیب وارد آمده و دو کشتی هم آتش گرفته است

پیشرفت ارتش سرخ

مسکو — اعلامیه [illegible] دولت شوروی حاکی است که [illegible] سرخ حملات مکرر [illegible] دشمن را دفع کرده و پیشرفت خویش را ادامه داده و چندین [illegible] آلمانیها را در [illegible] آورده و چندین [illegible] مسکو را [illegible] اشغال کرده و [illegible] بدست آورده است . هواپیماهای آلمانی همچنان [illegible] فوق العاده [illegible] در [illegible] هوائی [illegible] گرفته [illegible] هواپیمای آلمانی سرنگون گشته است .

* * *

مسکو — [illegible] خبرنگار مخصوص خبرگزاری انگلیسی در مسکو خبر میدهد که در روز [illegible] سرخ منتشر شده برای خبرگزاری انگلیسی فرستاده است .

بموجب این خبر مقاومت دشمن در بخش اول شدید تر شده .

روز [illegible] سرخ [illegible] میکند

از دفتر خاطرات زندان نگارش ج ۰ پ

اعترافات ابوالقاسم نانوا

قاتل کاظم روزنامه فروش

در آنجا هم تا کمان گردن [illegible] جواب داده از دکان بیرونشان میکردم . از کجا میدانستم که در کشور من همه بسا جبه و نیرنگ و نامردی زندگی میکنند .

از کجا میدانستم که مامورین دیوان من از زنان بد کار هم پست تر و نامردتر هستند مثل روباه ترسو از جلو فرار کرده دشمنی خودرا [illegible] انجام میدهند .

بالاخره مامورین کار را طوری جور کردند که بازرس آمده دکان نانوائیم را بسته از [illegible] پول گرفت که [illegible] را ترک کرده بتهران بروم . گفته بودند بودن من در اطراف کارخانه خطرناک است برای اینکه مدتی در ترکستان بوده‌ام و کفتم بوی فرقه [illegible] میدهد .

در صورتیکه من هرگز [illegible] نبوده کمونیست و سوسیالیست نمیدانم وچیزهای دیگرهم سرم نمیشود .

[illegible] را فروخته بتهران آمدم بهر مقامی که گفتند عریضه نوشتم بهر کسیکه تصور کردم ممکن است بمردم برسد پناه آوردم از شاه تا داور از رئیس [illegible] گرفته تا روزنامه ها بهمه رو آورده تظلم کردم کسی مرا جواب نداد .

پس از چند ماه دوندگی بی ثمر پولهایم ته کشید ناچار شدم اثاث خودرا فروخته سرمایه قرار داده کاسبی پیش بگیرم . بدون پول البته در تهران که کاسبی نمیشود کرد جواز و کاغذ نمیدانم هزار کوفت زهرمار میخواهند ، چندتا نان خریده خواستم بفروش آن مخارج خودرا برسانم . بدبختانه از صبح تا غروب چیزی گیرم نیامد طوری خسته و فرسوده شده بودم که نمیتوانستم از جای خود تکان بخورم . فکرهای تاریکی در سرم موج میزد **میخواستم انتقام بکشم . شاه وزیر و کیل هرکه پیشم بیاید شکمش را پاره بکنم** من تقصیرم چه بود . گناهم چه بود چکار کرده بودم ، چرا کار و کاسبیم را از دستم گرفتند برای چه نگذاشتند یک لقمه نان بدست آورده زندگانی شرافتمندانه خودرا ادامه دهم .

خود رضا خان مگر چکاره بود ، اول خیال میکردم لوطیگری ومن سرم و تو سبیل سرش میشود .

شنیده بودم اوایل زندگیش مثل مال ما دشوار بوده ولی وقتی که به تهران آمدم اطراف قصر را تماشا کردم روزنامه ها وداد و فغان نویسندگان دروغگو را با عملی دولت و شاه برانداز کردم فهمیدم که خیلی نامرد است وتمام اشخاصی هم که دور او جمع شده اند از خود او هم نامرد ترند .

تصمیم گرفتم از این نامرد ها هرکه جلویم بیاید انتقام بکشم مخصوصاً از روزنامه ها بیکه اینهمه مداحی وچاپلوسی میکردند سخت بیزار شده بودم .

از کلیه اطلاعاتی که روزنامه فروشها با آن آب و تاب و فریاد چیز های مهم دروغی بخورد مردم می دادند بدم میآمد واز شنیدن اسم آنها بدنم مرتعش می شد .

اوضاع نیروی محور در سیسیل

لندن . داوبه‌برون خبرنگاری ویژه خبرگزاری انگلیس چنین اطلاع میدهد آلمانیها چون تمام فرودگاهای خودرا از دست داده ونمیتوانستند نیروهای خود را حفظ کنند هر اندازه می بشود پافشاری برای آخرین مرتبه در دورترین نقاط شمال خاوری جزیره میکنند بر اثر فعالیت نیروی هوائی متفقین یکنفر میباید بسب انگلیسها و شکاری های بمب افکن تمام نقاط دریا را از شمال جزیره گرفته تا شمال [illegible] آن از وجود عناصر دشمن تصفیه میکنند و سد محاصره را بیوسته محکم تر مینمایند ، کشتی های مخصوص پیاده کردن نیرو بیوسته غرق میشوند امروز خبر رسید که ناوکان متفقین هدف های شمال اوگوستا را بار دیگر گلوله باران کرده اند دو ناوشکن که در این کار شرکت کرده با سه کشتی مشابع دشمن مبارزه نموده و دو تا از آنها را آسیب رسانیده مهمترین خبر واصل که حکایت دیروز همان حمله شد بدی است که بر کشتی های مخصوص پیاده کردن نیرو در کرانه شمالی جزیره وارد آمده وهر چند تشریح نشده که این کشتیها پر بوده است یا خیر و یکجا حرکت می کرده اند ولی وجود آنها در حال حاضر حائز اهمیت میباشد دو تا از آن کشتی ها غرق شده است .

نمایشگاه شوروی درایران

تهران — بقرار اظهار خبرگزاری شوروی نمایشگاه بزرگ صنایع زمان جنگ شوروی در تهران در سالون یکی از بزرگترین دبیرستان های تهران که وزیر فرهنگ ایران برای این منظور اختصاص داده بود افتتاح شد .

این نمایشگاه پیشرفت های بزرگی را که [illegible] سینما و ادبیات و نقاشی وحجاری موزیک شوروی در زمان جنگ بزرگ کنونی که بمنظور نجات میهن آغاز گردیده پیدا شده است نشان میدهد .

هنگام افتتاح نمایشگاه مزبور نخست وزیر و رئیس مجلس و وزیر فرهنگ و وزیر جنگ و سایر وزیران و نمایندگان سیاسی و افسران ارشد آرتش ایران و نویسندگان و هنرپیشه‌گان و نماینده‌گان روزنامه‌های ایران وخارجه حضور داشتند .

هنگام افتتاح نمایشگاه چهارصد نفر حضور داشته و رفیق ماکزیموف کاردار سفارت شوروی درایران نطق مختصری درباره دو سال جنگ دلیرانه ملت های شوروی و فداکاریهای هنرپیشگان و نویسندگان و موسیقی دانان که ابتکارات جنگی توجه خود را باختصاص باین جنگ بزرگ دانماً ایراد نمود . سپس درپایان جشن نمایشگاه برای ورود عموم آزاد گـردید .

اوضاع فرانسه

ژنو — بقرار اظهار خبر گزاری شوروی روز ۱۴ ژوئیه در لیون اوضاع خیلی جالب توجه بود . یک بمب بهتل کلوب پرتاب شد . درکوچه ها عبور و مرور یا موتور قدغن و نیز عبور و مرور در میدان های بل‌کورو تورو و حوزاله برای عابرین قدغن شد واین مراکز تحت مراقبت پاسبانان در آمد . کوچه ها قبل از ساعت خواب خلوت شد . در اثنای روز عده زیادی از ساکنین شهر داشتن نوارهای سه رنگ در کوچه ها عبور و مرور میکردند . اولیای امور دولت آلمان برای اینکه تلافی بکنند دستور دادند میزان خوارو باری که به اهالی داده میشود کاسته شود .

فقط ۵ هزار سرباز بکار رفته

شیکاگو — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس ویرت پاترسن معاون وزارت جنگ امریکا اعلام داشت که فقط ۵۰۰۰ تن سرباز بوسیله هواپیما درحمله بر سیسیل بکار رفته است تبلیغات محور دائر براینکه صد هزار چتر باز در حمله بر سیسیل نابوده .

شدواند بی اساس وعاری از حقیقت است . مقاومت محوریها در سیسیل بقدری ناچیز بود که هر گزارشی از آن نمیرفت .

نبرد جزیره سیسیل بزودی پایان خواهد یافت وتا چند روز دیگر کار سیسیل یکسره خواهد شد .

مذاکرات هیتلر و موسولینی

استکهلم .بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس روزنامه سوسیال دموکراتن درباره خبریکه ایستگاهای رادیوی آلمان انتشار دادند چنین مینویسد که در ضمن ملاقات هیتلر وموسولینی پیشوای ایتالیا از هیتلر در خواست کرده است که دوباره بایتالیا کمک ومساعدت نماید زیرا بعقیده وی چنین کمکی مفیدهای را که درایتالیا شایع است مبنی براینکه آلمان ایتالیا را بخود واگذار کرده وبا او همراهی نمیکند از میان خواهد برد . هیتلر بوی پاسخ داده است که غیر ممکن است حتی یک لشکر از جبهه شوروی بایتالیا انتقال داد .

اوضاع از احاطه [illegible] و هواپیما شبیه یکدیگراست .

هیتلر بموسولینی گفت که حاضر است چهار لشکر آلمان در فرانسه را بایتالیا بفرستد .

بموجب حسابیکه کارشناسان آلمان کرده اند دست کم ثلث تعداد لکوموتیوها و واگون های ایتالیا برای انتقال این لشکرها لازم است .

هیتلر پیشنهاد کرده است که در عوض این کمک که آلمان بایتالیا میکند ژنرال کسل رینگ فورا بفرماندهی نیرو های آلمان و ایتالیا در سیسیل برگزیده شود . روز نامه های آلمان هیچگونه تفسیری درباره مذاکره این دو رئیس دولت ننموده اند و فراتی دردست نیست که هیتلر قول داده باشد کم و بیش در دفاع ایتالیا شرکت کند .

اشغال بندر

لندن — بقرار اظهار خبر گزاری انگلیس خبر نگار مخصوص خبرگزاری انگلیس خبر میدهد که دیروز سپاهیان آمریکا بندر ترابانی را اشغال نمودند بندر ترمینی نیز که در خاور پالرمو کاستل ونرار واقع است و مهمترین فرودگاه هوائی سیسیل در آنجاست اشغال کردند .

هر چند مقاومت دشمن در باختر جزیره سیسیل درهم شکسته شده ولی از اکتشافات هوائی که شده اینطور برمی‌آید که قبل از رهائی انتهای شمال خاوری جزیره از دست دشمن باید منتظر نبرد های بسیار شدیدی بود .

چاپخانه طلوع

تألیف ا. پوشکین

(پس از مرگ مصنف منتشر گشته)

ترجمه کریم کشاورز

— ۳۸ —

داستان ((دوبروسکی))

— منزل من [illegible] گذشته درخانه من ناهار خورد و تمام انظار متوجه آنتوان پافنوتیچ گردید که زنی [illegible] بود و همه بجه اتفاق [illegible] و خوی بشاشش دوستش میداشتند متوجه گشت . جنانکی تاکنون کاری تمام حاضر به اصغای حکایت او شدند ومشتاقانه چنین گفت

— باید قبلا بدانید که سه هفته قبل من مباشر خود را به پستخانه فرستادم که مبلغی پول جهة پسرم وانیوشا بفرستد . پسرم را من نازو و بچه نه بار نمی آوردم و اگر هم چنین مبلغی میداشتم استطاعتش را ندارم . باوجود این خودتان بهتر میدانید که صاحب منصب گارد امپراطوری باید منات مقامش خرج کند و خوب زندگی کند و من تا اندازه که بتوانم از عواید خود سهمی باو میدهم . دو هزار منات برایش فرستادم گرچه چندین بار وجود دوبروسکی در این نواحی حواسم را مشوش کرده و بفکر او افتادم ولی تصور کردم که شهر نزدیک است و فاصله یک فرسخ بیش نیست و اشخاصی سانحه‌ای روی نمیدهد و پول جلیقه میرسد . دیدم عصری مباشرم پیاده برگشت ، رنگش پریده و لباسش دریده . من بمحض دیدن این وضع فریاد زدم ، چه شده . تو را چه شده ؟ او جواب داد :

« خانم جان دزدها زدندم . نزدیک بود خودم را هم بکشند . خود دوبروسکی هم میان آنها بود و خواست دلوم بزند ولی دلش سوخت وولم کرد اما در عوض هرچه داشتم گرفت و عرابه و اسب را هم برد » من دیگر مردم و فکر کردم خدایا پسرم جای پول چه خواهد کرد . کاری دیگر از دستم بر نمی‌آید . کاغذی به پسرم نوشتم و واقعه را شرح دادم و دعای خیر در حقش کردم . بدون اینکه دیناری پول برایش بفرستم ، یک هفته گذشت وهفته دیگری هم گذشت و روزی ناگهان کالسکه ای داخل حیاط خانه من میشود . خبر دادند که سرتیپ میخواهد بامن صحبت کند . گفتم بفرمایند . خوش آمدند مردی بسن ۳۵ دارای رنگی تیره و چشمانی سیاه وریش و سبیل تراشیده وارد شد وخود را معرفی کرد که دوست و همکار شوهر مرحوم ایوان آندرویچ است و از این سمت عبور میکرد و چون میدانست منزل زوجه رفیق متوفایش نزدیک است وظیفه خود دانست سری بزند و سلامی بکند

من ضیافتش کردم و هرچه داشتیم بمیان گذاشتم و از اینطرف و آنطرف صحبت کردیم و بالاخره بموضوع دوبروسکی رسیدیم و مصیبتم را برایش نقل کردم . آقای سرتیپ ابرو درهم کشید وگفت : خیلی جای تعجب است من شنیده‌ام که دوبروسکی بهر کسی حمله نمیکند و فقط یک عده از متمولین را مورد تهاجم قرار میدهد و حتی آنها را هم بالتمام نمی چاپد و چیزی برایشان باقی میگذارد وهیچوقت هم نشده است که کسی او را متهم به قتل‌نفس و یا چنین قصدی کرده باشد . شاید اینجا حقه‌ای در کار باشد . امر بکنید مباشرتان را احضار کنند .

رفتند پی مباشر و آمد . همینکه چشمش بژنرال افتاد حس و حرکت از او سلب شد و بجای خود مانند مجسمه ایستاد .

ژنرال باو گفت :

« خوب برادر نقل کن که دوبروسکی چطور پولهایت را گرفت وچطور میخواست غارت بزند »

مباشر را تشنجی عارض شد و بجای ژنرال افتاده وگفت :

— آقا جان مقصرم گناهکارم دروغ گفتم

ژنرال گفت : « حالا که اینطور است بس بارها برای خانم عین‌الواقع را حکایت کن و من گوش میکنم »

مباشر نمیتوانست حرفی بزند .

ژنرال گفت .

— خوب بگو که کجا توبه دوبروسکی برخوردی

— آقاجان بهاری در درخت کاج ، پولوی در درخت کاج

— خوب دوبروسکی به تو چه گفت ؟

— پرسید آدم کیستی وکجا میروی و با چه کار داری .

— خوب بعد ؟

— بعد کاغذ وپول را از من مطالبه کرد

بعد ؟

— کاغذ و پول را بلو تسلیم کردم

— خوب او چه کرد ؟

— آقاجان ببخشید مقصرم

— خوب او چه‌کار کرد دیگر

— او پول و کاغذ را بمن ردکرد وگفت بروی کاوت و اینها را به پست خانه برسان

خوب بعد

— آقاجان هرکتید مقصرم

ژنرال گفت :